



ویژه نامه

شهادت امام هادی علیه السلام



امام هادی علیه السلام

کنیه وی ابوالحسن است [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۰۱؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۲]. و در منابع حدیثی، ابوالحسن سوم خوانده شده است. [کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۹۷، ۳۴۱]. تا با ابوالحسن اول یعنی امام کاظم و ابوالحسن دوم یعنی امام رضا اشتباه نشود. [قرشی، حیاة الامام علی الهادی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۱].

زندگی نامه

بنابر نظر کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی، امام هادی در ۱۵ ذی الحجه سال ۲۱۲ق [کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹۷؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۱۸۹؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۲؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۰۱]. در منطقه ای به نام صریا (در نزدیکی مدینه) متولد شده است. [مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۹۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۰۱]. تولد او همچنین، ۲ یا ۵ رجب همان سال [مصباح کفعمی (جنة الأمان الواقية)، ۵۱۲؛ محدث قمی، ج ۳، ص ۱۸۳۵؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ۱۴۲۶ق، ص ۲۲۸]. یا رجب ۲۱۴ق و جمادی الثانی سال ۲۱۵ق نیز ثبت شده است. [کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹۷]. به روایت مسعودی، در سالی که امام جواد همراه با همسرش، ام الفضل، حج به جای آورد، امام هادی را در حالی که کوچک بود به مدینه آوردند [مسعودی، اثبات الوصیه، ۱۴۲۶ق، ص ۲۲۸]. و او تا سال ۲۳۳ق در مدینه زندگی می کرد. در این سال، متوکل او را به سامرا احضار کرد و در منطقه ای تحت کنترل خود به نام عسکراقامت داد. وی ۲۱ سال، یعنی تا پایان عمر در منطقه عسکر ماند.

از زندگی امام هادی، امام جواد و امام عسکری در مقایسه با دیگر ائمه شیعه، اطلاعات چندانی وجود ندارد. برخی از پژوهشگران عمر کوتاه این امامان، محصور بودن آنان و غیر شیعی بودن نویسندگان کتب تاریخ در آن روزگار را از علل آن دانسته اند. [رجبی دوانی، «علل محدود بودن اطلاعات تاریخی درباره امام هادی (ع)». نقش انگشتر امام هادی (ع)، «الله ربی و هو عصمتی من خلقه»، یعنی «خداوند پروردگار من است و حامی ام از شر آفریدگانش» گزارش شده است. [دخیل، ائمتنا، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۰۹]. همچنین نقش انگشتر دیگر وی، «حفظ العهود من أخلاق المعبود» ثبت شده است؛ به این معنا که: «پایبندی به پیمان ها از خلق خداوند است». [مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۱۷].

علی بن محمد، مشهور به امام هادی و امام علی النقی (۲۱۲-۲۵۴ق)، دهمین امام شیعیان و فرزند امام جواد (ع) است. وی ۳۳ سال، از ۲۲ تا ۲۵۴ قمری، امامت شیعیان را به عهده داشت. امام هادی با چند تن از خلفای عباسی از جمله متوکل همزمان بود. بیشتر سال های امامت را در سامرا تحت نظارت مستقیم حاکمان عباسی گذراند.

از امام هادی (ع) احادیثی در امور اعتقادی، تفسیر، فقه و اخلاق روایت شده است. بخشی از روایات نقل شده از وی، درباره مباحث کلامی از جمله تشبیه و تنزیه و جبر و اختیار است. زیارات معروف جامعه کبیره و غدیریه از امام دهم شیعیان نقل شده است.

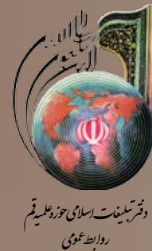
علی بن محمد (ع) به واسطه جمع زیادی از وکلا که سازمان وکالت خوانده شده، با شیعیان ارتباط داشت. عبدالعظیم حسنی، عثمان بن سعید، ایوب بن نوح، حسن بن راشد و حسن بن علی ناصر، از اصحاب او به شمار آمده اند.

مزار امام هادی در سامرا که به دلیل دفن وی و فرزندش امام حسن عسکری، حرم عسکریین خوانده می شود.

نام، نسب و القاب

علی بن محمد، مشهور به امام هادی و علی النقی، امام دهم شیعیان است. پدرش امام جواد (ع)، امام نهم شیعیان، و مادرش کنیزی [مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۹۷؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ۱۴۲۶ق، ص ۲۲۸]. به نام سمانه مغربیه [مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۹۷]. یا سوسن بود. [نوبختی، فرق الشیعه، ۱۳۶۱ش، ص ۱۳۵].

از مشهورترین القاب امام دهم شیعیان، هادی و نقی است. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۰۱]. لقب هادی از آن رو به وی اطلاق شده که در زمان خود بهترین هدایت کننده مردم به سوی خیر بوده است. [قرشی، حیاة الامام علی الهادی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۱]. القاب دیگری از جمله مرتضی، عالم، فقیه، امین، ناصح، متوکل، خالص و طیب نیز برای وی یاد شده است. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۴۰۱]. همچنین شیعیان، امام هادی و فرزندش امام حسن عسکری (ع) را به دلیل اینکه در سامرا در منطقه ای به نام عسکر ساکن بودند [مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۱۳؛ صدوق، علل الشرایع، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۴۱]. امامین عسکریین می خوانند. [سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۴۹۲].



فرزندان

امام هادی (ع): حکمت در سرشت‌های فاسد اثر نمی‌کند. «عطاردی، مسند الامام الهادی، ص ۳۰۴»

بنا به گفته ابن شهر آشوب، شیعیان از طریق نصوص امامان پیشین، بر امامت علی بن محمد آگاه شدند؛ نصوصی که توسط راویانی از جمله اسماعیل بن مهران، ابوجعفر اشعری و خیرانی نقل شده‌اند. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۰۲]

شهادت و آرامگاه

امام دهم در زمان حکومت معتز عباسی مسموم شده و به شهادت رسید. [طبری شیعی، دلائل الامامه، ص ۲۱۲؛ اربلی، کشف الغمه، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۴۰]. ابن شهر آشوب بر این باور است که وی در اواخر حکومت معتمد مسموم و شهید شده است و از ابن بابویه نقل کرده که معتمد به او سم داده است. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۰۱]. شیخ مفید گفته است او در ماه رجب سال ۲۵۴ق [ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۱۸۹]. پس از ۲۰ سال و ۹ ماه اقامت در سامرا در ۴۱ سالگی از دنیا رفت. [مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۱۱؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹۷-۴۹۸؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۲]. برخی منابع، شهادت وی را در ۳ رجب [نوبختی، فرق الشیعه، ۱۳۶۱ش، ص ۱۳۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۰۱]. و برخی دیگر ۲۵ یا ۲۶ جمادی الثانی ذکر کرده‌اند. [اربلی، کشف الغمه، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۷].

امام حسن عسکری در تشییع جنازه پدر شرکت کرد جنازه را در جاده‌ای که برابر خانه موسی بن بغا بود قرار دادند. قبل از آنکه خلیفه عباسی در تشییع شرکت کند امام عسکری بر جنازه پدر نماز خواند. سپس آن را در یکی از خانه‌هایی که حضرت در آن زندانی بود، به خاک سپردند. گفته شده ازدحام جمعیت و گرمی هوا به قدری بود که پس از تشییع جنازه به امام عسکری فشار می‌آورد. [مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۴۳]

حرم عسکریین

امام هادی در خانه‌ای که در سامرا ساکن بود، دفن شد. [طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۲] محل دفن امام هادی (ع) و فرزندش امام حسن عسکری (ع) در سامرا به حرم عسکریین شناخته می‌شود. پس از دفن امام هادی (ع) در خانه‌اش، امام عسکری (ع) برای مقبره پدرشان خادمی را تعیین کرد. در سال ۳۳۳ قمری، ناصرالدوله حمدانی قبه‌ای

علمای شیعه از چهار پسر به نام‌های حسن، محمد، حسین و جعفر برای امام هادی یاد کرده‌اند. [خصیبی، الهدایة الکبری، ۱۹۹۱م، ص ۳۱۳؛ مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۲؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۰۲]. دختری نیز به او نسبت داده شده که شیخ مفید، نامش را عایشه [مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۱۲]. و ابن شهر آشوب، او را علییه خوانده است. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۰۲]. مولفان اهل سنت نیز فرزندان امام دهم شیعیان را چهار پسر و یک دختر دانسته‌اند. [ابن حجر، الصواعق المحرقة، مكتبة القاهرة، ص ۲۰۷]

امامت

امام هادی (ع): مردم در دنیا با اموالشانند و در آخرت با اعمالشان. «عطاردی، مسند الامام الهادی، ص ۳۰۴»

علی بن محمد، در سال ۲۲۰ق در ۸ سالگی به امامت رسید. به گزارش منابع، سن پایین امام هادی (ع) در آغاز امامت، منجر به تردید شیعیان نشد. برخی بر این باورند که آغاز امامت امام جواد در سن کم، موجب شد شیعیان پس از وی در مواجهه با چنین موضوعی دچار تردید نشوند. [حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ۱۳۸۵ش، ص ۸۱]. به نوشته شیخ مفید، شیعیان پس از امام نهم، به استثنای عده اندکی، امامت امام هادی (ع) را پذیرفتند. [مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۰]. و آن عده اندک، موسی بن محمد، معروف به موسی مبرقع را امام دانستند؛ با این حال پس از مدتی از اعتقاد خود برگشتند و به عموم شیعیان پیوستند. [نوبختی، فرق الشیعه، ۱۳۶۱ش، ص ۱۳۴]. سعد بن عبدالله اشعری، بازگشت آن عده به امام هادی (ع) را حاصل بیزاری جستن موسی مبرقع از آنان دانسته است. [اشعری قمی، المقالات و الفرق، ۱۳۶۱ش، ص ۹۹]. شیخ مفید [مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۰].، طبرسی و ابن شهر آشوب، [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۰۲]. اتفاق نظر شیعیان بر امامت امام هادی (ع) و عدم ادعای امامت از سوی کسی جز وی را دلیل محکمی بر اثبات امامت وی دانسته‌اند. [عطاردی، مسند الامام الهادی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰]. همچنین کلینی و شیخ مفید، نصوص مربوط به اثبات امامت وی را در آثار خود برشمرده‌اند. [کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۳-۳۲۵؛ مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۹۸]



ویژه نامه

شهادت امام هادی علیه السلام



تشویش اذهان عمومی جامعه اسلامی می‌شد، موضوعی بسیار حساس بود. در همین هنگام، بازار طرفداران غلو نیز داغ شد و امام هادی علیه السلام، برای جلوگیری از اشاعه تفکرات منحرفانه آن‌ها و نیز، ممانعت از فریب خوردن شیعیان، مبارزه‌ای مداوم را با غلاتی مانند علی بن حسکه آغاز کرد. این اقدامات همزمان و فشرده، در حالی انجام می‌شد که جو پراختناق آن دوره، مجال هر گونه اعتراضی را از مخالفان می‌گرفت. دستگاه خلافت، به ویژه در عصر متوکل، رویه‌ای کاملاً وحشیانه را برای برخورد با مخالفان و معترضان در پیش گرفته بود. متوکل که به نوشته «یعقوبی»، معتقد بود «حیا موجب شکست و مهربانی سبب زبونی است و باید سخاوت را حماقت شمرد!»، برای توحش خود حدی نمی‌شناخت و حتی از کشتن نزدیکانش نیز ابایی نداشت.

مدیریت تقابل با دستگاه خلافت عباسی

با این حال و با وجود همه محدودیت‌ها، امام هادی علیه السلام توانست شیعیان را از یک پیچ تاریخی حساس بگذراند و ضمن آماده کردن آن‌ها برای ورود به عصر غیبت، فریادرس مسلمانانی باشد که در میان امواج پرتلاطم شبهات گرفتار آمده بودند. آن حضرت در گام نخست و با توجه به شرایط حاکم بر جامعه اسلامی، فعالیت‌های سیاسی خود را به شدت محدود کرد و در لفافه «تقیه» قرار داد. اما این رویکرد، مانع از فعالیت‌های گسترده امام هادی علیه السلام برای زیر سوال بردن مشروعیت ظاهری خلفای بیدادگر عباسی نشد. امام هادی علیه السلام همکاری با دستگاه خلافت را تنها برای اصلاح امور شیعیان و خدمت به مسلمانان مجاز می‌دانست. رویکرد دیگر امام علیه السلام برای رویارویی با دستگاه خلافت، پاسخ دادن به ادعاهای فقهای درباری بود و به طور خلاصه باید گفت که راهبرد آن حضرت در تقابل و مبارزه با دستگاه ستم‌پیشه خلافت، راهبردی مبتنی بر ترویج علم و اخلاق در جامعه بود؛ روشی که توانست پرده‌های غفلت را از مقابل چشمان مسلمانان کنار بزند و حقیقت اسلام ناب را در برابر دیدگان آن‌ها جلوه‌گر کند.

برای حرم بنا کرد و مهمان‌سرای برای زائران آن ساخت. در دوران آل بویه، معزالدوله و عضدالدوله ساختمان‌ها و تأسیساتی برای حرم می‌سازند و گنبد و ضریح را بازسازی می‌کنند. در سال ۱۳۳۵ ش ضریحی از طلا و نقره، بر آن نصب شد. [منتظر القائم، تاریخ امامت، ص ۲۵۳ (به نقل از: عتبات عالیات عراق، اصغر قائدان، تهران، مشعر، ۱۳۸۳ ش)].

فرصت سازی های امام هادی علیه السلام در برابر خلیفه عباسی

امام هادی علیه السلام در دوران امامت خود، با پنج نفر از خلفای عباسی معاصر بود؛ معتصم، واثق (پسر معتصم)، متوکل (برادر معتصم)، منتصر (پسر متوکل)، مستعین (پسر عموی منتصر) و معتز (پسر متوکل). به جز دوره کوتاه شش ماهه خلافت منتصر که ظاهراً سختی و شدت عمل نسبت به شیعیان کاهش یافت، در زمان زمامداری دیگر خلفا، شرایط حاکم بر جامعه به طور اعم و شیعیان به طور اخص، توأم با خفقان شدید و اختناق گسترده بود. نکته قابل توجه و تأمل این است که با وجود آغاز دوران زوال قدرت عباسیان و افول قدرت آن‌ها از دوره معتصم به بعد، هیچ تغییری در سیاست ضد شیعی آن‌ها و اعمال محدودیت و فشار بر امام هادی علیه السلام به وجود نیامد.

مبارزه در جامعه‌ای بحران زده

آن حضرت که ابتدا در مدینه سکونت داشت، به دستور متوکل به سامرا، مرکز خلافت عباسی در آن دوره، تبعید شد و تحت نظر قرار گرفت. ظاهراً در همین دوران پرمشقت و رنج بود که متوکل، دستور تخریب حرم مطهر امام حسین علیه السلام را صادر کرد؛ اقدامی که با واکنش شدید عموم مسلمانان روبه‌رو شد و از این خلیفه خونخوار، تصویری مدعش در حافظه تاریخ باقی گذاشت. همزمان، در دوره متوکل، اشعریان با مشرب فکری خاص خود که مبتنی بر طرد عقلانیت از عرصه مذهب بود، مورد حمایت دستگاه خلافت قرار گرفتند و با استفاده از این موقعیت، مخالفان خود را تحت فشار قرار دادند. در چنین فضای مسمومی، مدیریت کردن امور شیعیان از یک سو و از سوی دیگر، پاسخ‌دادن به شبهات و ابهاماتی که باعث

عَلَيْهِ السَّلَامُ

دل را شراره غم تو پر شرار کرد
داغ تو قلب خسته دلان، داغدار کرد